

## کرامت انسان در پرتو حقوق بین الملل زیست پزشکی<sup>۱</sup>

نوشته: روبرتو آندورنو<sup>۱</sup>

مترجم: محمدجعفر ساعد

### چکیده

کرامت انسانی در زمره یکی از گل‌واژه‌های حقوق بشری است که انسان بدان متصف است. در واقع، این دانش‌واژه، وصفی است انسانی و مختص انسان که هیچ قیدی آن را مقید و هیچ شرطی آن را مشروط نمی‌کند. با این‌که این وصف انسانی از همان اوان حیات بشر همواره با وی و در اندیشه‌های اخلاقی و دینی مورد عنایت بوده است لیکن این مهم به صورت علمی و با نگاهی متفکرانه بشری بعد از تهیه و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ مورد توجه قرار گرفت و امروزه این مقوله به نوعی جهان‌شمول شده و از چنان اهمیتی برخوردار گشته است که هیچ فعل انسانی نمی‌تواند بدون توجه بدان و در واقع بدون سازگاری با آن صورت گیرد. بدین‌سان، در روزگار ما، کرامت انسانی به مثابه میراث ذاتی بشری و بنیاد و شالوده آفرینش بشری به شمار می‌آید که تمامی رویکردهای انسانی در هر امری باید مطابق با آن باشند. از سوی دیگر، اخلاق پزشکی و نیز اخلاق زیستی با محور اخلاق در عالم پزشکی و زیست انسانی (و حتی جانوری و محیطی) از جمله مسائلی است که اعتلاء جامعه بشری و سلامت و بهداشت جسمی و روانی را مد نظر داشته و از این رهگذر رابطه تنگاتنگی با مقوله کرامت انسانی می‌یابد. چندان‌که به سهم خود بر این وصف انسانی تأمل کرده و توجه به آن را به همگان توصیه می‌نمایند. از دیگر سو، از آن‌جا که دانش‌واژه مزبور، وصفی مختص انسانی است، حد و مرز نمی‌شناسد و مرزها را درنوردیده، همگان باید در قبال آن رویکرد عنایت پیشه نمایند، به نحوی که تعدی از آن واجد واکنش و پاسخ جامعه خواهد بود و مرتکب را تا مرز طرد از اجتماع می‌کشاند. چنین ضرورتی برای همه‌گیر

---

۱. عضو کمیته بین‌المللی اخلاق زیستی یونسکو. (نویسنده مسؤول)

شدن آن، در عرصه فراملی در چارچوب اسناد بین‌المللی تصریح گردیده و تبلور می‌یابد که اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه ژنوم انسانی و حقوق بشر در زمره این اسناد است. با این بیان در گستره مسائل زیست‌پزشکی، با قلمرو نوینی به نام حقوق بین‌الملل زیست‌پزشکی روبرو می‌شویم که با تمرکز بر مسائل زیست‌اخلاقی و پزشکی، عنایت به حقوق بینادین بشری و کرامت انسانی را گوشزد می‌نمایند؛ چندان که عنوان «اعلامیه ژنوم انسانی و حقوق بشر یونسکو» نیز تا اندازه‌ای گویای این واقعیت است. نویسنده مقاله حاضر که خود عضو کمیته بین‌المللی اخلاق زیستی یونسکو است، با عنایت به مقوله کرامت انسانی در عالم اخلاق زیست‌پزشکی، به این دو مفهوم و رابطه نزدیک آن‌ها پرداخته و در این زمینه، با نگاهی دقیق به تفکیک مقوله «کرامت انسانی» اقدام و برای آن دو قسم متصور شده است. بر این اساس، نگارنده در کنار این که «کرامت فردی» را از «کرامت بشری» متمایز می‌داند، به این دو گزینه در اعلامیه ژنوم انسانی و حقوق بشر پرداخته و جایگاه هر یک را در این سند بین‌المللی تبیین می‌نماید.

### واژگان کلیدی

کرامت انسان، اخلاق زیستی، حقوق بین‌الملل زیست‌پزشکی، کرامت فردی، کرامت بشری.

## کرامت انسان در پرتو حقوق بین الملل زیست پزشکی

پیشرفت‌های علمی در حوزه زیست پزشکی، شیوه‌های مؤثری برای تشخیص و درمان ایجاد می‌کند، اما در عین حال تهدیدات نوین و شدیدی در مورد حقوق بشر و کرامت انسانی نیز به همراه دارد. بدین سان، نگرانی روزافزون جامعه بشری، ضرورت تضمین سازگاری چنین پیشرفت‌هایی با معیارهای کلی حقوقی ناظر بر حمایت مردم در برابر استفاده نادرست از فن آوری‌های نوین است. همان گونه که علم به سرعت در حال جهانی شدن است، واکنش حمایتی در مورد چالش‌های نوین ناشی از علم نیز باید جهانی باشد. به دیگر سخن، از آنجا که پیشرفت‌های علمی مرزهای ملی نمی‌شناسد، واضح به نظر می‌رسد که همکاری بین‌المللی مستلزم هماهنگ‌سازی معیارهای حقوقی و ایجاد سازوکارهای متناسب برای تضمین اعمال مؤثر این معیارها است.

از این رو، چالش اصلی همانا شناسایی و تضمین این اصول جهان‌شمول در زمینه مسائل زیست پزشکی است. چنین به نظر می‌رسد که هنگامی که سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی متعدد مطرح می‌شود، سازمان‌های بین‌المللی گستره ایده آل را برای کشف یا ابداع این گونه معیارهای کلی فراهم می‌سازند.

هدف از این نوشتار، دقیقاً استخراج ویژگی خاص ظهور حقوق بین‌الملل زیست پزشکی است، یعنی آن نقش بسیار بنیادی که حقوق مزبور برای مفهوم کرامت انسانی قائل است. در این راستا، به ویژه بر اعلامیه انسانی و حقوق بشر یونسکو تمرکز خواهیم کرد، که نشان‌گر تأیید نقش کلیدی کرامت انسانی در این زمینه است. این سند را که در سال ۱۹۹۷ به تصویب رسید، می‌توان به منزله جامع‌ترین اقدام جهانی در راستای حمایت از حقوق بشر و کرامت انسانی در گستره فن آوری‌های ژنتیک قلمداد کرد (تیلور، ۱۹۹۹، صص ۴۷۹-۵۴۱). افزون بر

این، هم‌اندیش با یکی از تدوین‌کنندگان این سند می‌توان بر این اعتقاد بود که سند مزبور نمودار «پیشرفتی آینده‌محور»<sup>۲</sup> در نظام حقوق بین‌الملل بشر است (لنور، ۱۹۹۸). در این نوشتار، به‌طور خاص بر دو بُعد متفاوت کرامت انسانی، آن‌گونه که از اعلامیه یونسکو برمی‌آید، تمرکز می‌کنیم: کرامت فردی<sup>۳</sup> و کرامت بشری<sup>۴</sup> به مفهوم دقیق کلمه.

### ۱- ابعاد دوگانه کرامت انسانی

ظهور حقوق بین‌الملل زیست‌پزشکی مؤید نقش کلیدی تعبیر کرامت انسانی است که به منزله منطق غایی قواعد مقرر در این گستره، به ویژه قابلیت رؤیت‌پذیری و پیدایی در اسناد اخلاق زیستی یونسکو و شورای اروپا، چنان بر اندیشمندان اثرگذار بوده که ناگزیر آن را به مثابه «اصل شکل‌دهنده»<sup>۵</sup> اخلاق زیستی بین‌المللی می‌پندارند (لنور، متیو، ۱۹۹۸، ص ۱۶). شاید دلیل اصلی این گرایش شدید به کرامت انسانی، در این واقعیت نهفته باشد که تعبیر مزبور به منزله آخرین مانع در برابر تغییر پاره‌ای از ویژگی‌های بنیادین بشری تلقی می‌گردد که نوع انسان بر اثر فن‌آوری‌هایی نظیر شبیه‌سازی و بازآفرینی یا مهندسی ژنتیک با آن‌ها مواجه شده است. گفتنی است که برداشت سنتی از حقوق بشر به منزله ابزار حفظ یا پیشبرد اغراض شخص موجود یا گروهی از اشخاص، در مورد نگرانی‌های جدید ناشی از پیشرفت‌های فن‌آوری زیستی چندان کارآمد به نظر نمی‌رسد، زیرا تعبیر «حق‌ها»<sup>۶</sup> به ندرت می‌تواند منافع نسل‌های آینده یا منافع بشری را به مفهوم دقیق آن تأمین کند. از این‌رو، اسناد بین‌المللی مربوط به مسائل زیست‌پزشکی به ایده کرامت انسانی متوسل می‌شوند، با این امید که این امر بتواند منطق نظری بسنده و غایی را برای پیشگیری از سوءاستفاده از ظهور قدرت‌های ناشی از فن‌آوری زیستی فراهم سازد. بی‌تردید، اشاره به کرامت انسانی در حقوق بین‌الملل، جدید و ویژه اسناد

مربوط به زیست پزشکی نیست. بلکه این تعبیر، پایه جنبش حقوق بین‌الملل بشر است که بعد از جنگ جهانی دوم ظهور کرد. این اصطلاح و دانش‌واژه [برای نخستین بار] در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ تبلور یافت که به صراحت بر «کرامت ذاتی (...)

تمامی اعضاء خانواده بشری» تأکید دارد. در قالب اسناد حقوق بین‌الملل بشر که در نیمه دوم سده بیستم تصویب شده‌اند (نظیر کنوانسیون حمایت از زندانیان جنگی و افراد غیرنظامی در زمان جنگ، معاهده منع تبعیض نژادی و تبعیض زنان، کنوانسیون پیش‌گیری از شکنجه و دیگر رفتارهای غیر انسانی و توهین‌آمیز، معاهده ترغیب حقوق کودک و حمایت از ناتوانان روانی و جسمانی و بسیاری دیگر از معاهدات) به این وصف انسانی اشاره شده است. با وجود این، واقعیت این است که اسناد مربوط به زیست پزشکی با تأکید افزون بر تعبیر کرامت انسانی می‌پردازند. در واقع، تقابل میان «نقش پیشینی»<sup>۷</sup> کرامت انسانی با شکل‌گیری اسناد بین‌المللی حقوق بشر و «نقش پسینی»<sup>۸</sup> آن با ظهور حقوق بین‌الملل زیست پزشکی نمی‌تواند چندان قابل توجه باشد (بیلود، براونزورد، ۲۰۰۲، ص ۱۱).

از سوی دیگر، افزودنی است که حقوق بین‌الملل بدون هیچ‌گونه مقدمه‌چینی برای تبیین مفهومی اصطلاح کرامت انسانی، آن را به کار می‌برد. این عدم تبیین، پاره‌ای از اندیشمندان را به سمت این تأویل سوق داده است که کرامت، یک مفهوم ذاتی محض، بدون هیچ‌گونه معنی خاص یا حتی «مفهومی عبث» است که می‌توان به سادگی آن را نادیده انگاشت (مکلین، ۲۰۰۳، ص ۱۴۱۹-۱۴۲۰). با وجود این، این برداشت اخیر بسیار ساده‌انگارانه به نظر می‌رسد. درست است که مباحث زیست اخلاقی بیان‌گر کاربست فزاینده اندیشه کرامت انسانی است که البته می‌توان از آن اجتناب کرد، به ویژه زمانی که هیچ‌گونه توضیح دیگری برای چرایی هم‌گونی یا ناهم‌گونی یک عمل خاص با کرامت انسانی ارائه نمی‌شود، لیکن این وضعیت نمی‌تواند ما را به «خطر کردن» وادارد. اگر در این راستا بدین

نتیجه برسیم که تعبیر کرامت فی نفسه، پوچ و بی معنی است، این تعبیر مبالغه‌ای بیش نخواهد بود. بلکه برعکس، می‌توان این گونه استدلال کرد که به‌رغم ابهام آشکار نهفته در این تعبیر، نقش بنیادین آن در حقوق بین‌الملل زیست‌پزشکی صرفاً منجر به ایجاد یک استراتژی بدیع و بلیغ نمی‌شود و نه تنها نگرانی واقعی اشخاص موجود بلکه نگرانی واقعی بشریت را در مورد نیاز به حمایت از حیثیت و کرامت، نیز بازتاب می‌دهد.

در واقع، نه ارائه تعریفی بسیار دقیق، بلکه توصیفی اجمالی از چیستی کرامت، چندان که به نظر می‌رسد، دشوار نیست. در کوتاه سخن، دو معنی متفاوت از این تعبیر می‌توان به دست داد: یک معنی اصلی و یک معنی موسع.<sup>۹</sup>

#### الف) مفهوم اصلی کرامت

مفهوم اصلی کرامت<sup>۱۰</sup> که تعبیری اولیه، مرسوم و دقیق‌تر از این ایده است، به ارزش ذاتی موجودات انسانی، صرف‌نظر از سن، جنس، توانایی روانی و فیزیکی، مذهب و خاستگاه قومی یا اجتماعی اشاره دارد. واژه «ذاتی» بر این دلالت دارد که چنین کرامتی نه بر پایه خصیصه یا ظرفیت خاص افراد بلکه صرفاً بر بنیاد انسانی آن‌ها استوار است؛ چرا که کرامت را نمی‌توان اعطا کرد یا پس گرفت و تصور هیچ درجه و مرتبه‌ای برای آن روا نیست. به دیگر سخن، کرامت به «اهمیت ذاتی حیات بشری» (دورکین، ۱۹۹۴، ص ۲۳۶). برمی‌گردد و مستلزم این است که «با مردم هرگز به گونه‌ای برخورد نشود که اهمیت ممتاز حیات آنان انکار شود» (دورکین، ۱۹۹۴، ص ۲۳۶). افزون بر این، اگر بخواهیم به تلقی دقیق‌تری از مفهوم کرامت دست یابیم می‌توانیم از کانت کمک بگیریم. بر پایه نظر این فیلسوف آلمانی، کرامت انسانی بدین معنی است که فرد انسانی را همواره باید به‌عنوان «هدف» مد نظر داشت و نه به‌عنوان «وسیله». بنابراین، کرامت دقیقاً

متضاد «بها و قیمت»<sup>۱۱</sup> است، یعنی نوعی ارزش گذاری برای چیزی که می تواند معادل آن باشد. حال که «کرامت»، انسان را غیر قابل موازنه و معادل ناپذیر می سازد، از این رو، براساس توصیف کانتی از کرامت، این تعبیر را می توان با التزام به «ناابزاراندیشی اشخاص» برابر انگاشت. این برداشت در گستره اخلاق زیستی برای نمونه مبتین آن است که ما نمی توانیم بر انجام آن دسته از تحقیقات غیر درمانی که برای حیات افراد به شدت مخاطره آمیزند، صحه بگذاریم، حتی اگر بتوان از این رهگذر دانش علمی مفیدی به دست آورد؛ ما مجاز نیستیم تا اعضاء حیاتی اشخاص، حتی مجرمان و برخی از اجساد محکومان به اعدام را در راستای حفظ حیات دیگری برداریم.

وانگهی، شبیه سازی افراد یا از پیش تعیین کردن ویژگی های ژنتیک کودکان، حتی در عین رضایت خاطر والدین بالقوه پذیرفتنی نیست. جملگی این نمونه های دقیق نشان گر ابزارانگاری آشکار نسبت به موجود انسانی است و از این رو عملی خلاف کرامت انسانی محسوب می شود.

### ب) مفهوم موسع کرامت

مفهوم موسع کرامت،<sup>۱۲</sup> به مفهوم بسیار گسترده ای برمی گردد که بر ارزش بشریت به منزله «کُل»ی شامل نسل های آینده تأکید می کند. اگر همه موجودات بشری دارای کرامت هستند و باید بدون هیچ استثنایی مورد احترام قرار گیرند، ارزش ذاتی قائل شدن برای گروه بزرگ تری که به بشریت تعلق دارد نیز به نحو اشتقاقی معقول است. این مفهوم گسترده تر کرامت، از یک سو، امکان حفظ محیطی پایدار برای اخلاف و فرزندان ما (مقوله ای در گستره اخلاق عمومی) و از سوی دیگر، امکان حمایت از کرامت و شرافت گونه های بشری (مقوله ای در گستره اخلاق زیست پزشکی) را فراهم می سازد. باید یادآوری کرد که «تکلیف» کانتی از

پیش، تا اندازه‌ای این مفهوم گسترده از کرامت را در بر دارد، زیرا این دانش‌واژه به لحاظ ادبی مبین آن است که کرامت عین انسانیت است، خواه در خود شخص یا در دیگری، و نباید هرگز به منزله «وسیله» صرف قلمداد شود.

اما آیا این دیدگاه مبتنی بر کرامت بشری لزوماً بدین معنی است که شخص مستحق حقی به واسطه وجود خود حق است یا به واسطه هویت آن؟ به نظر من، تصور بشریت از جمله نسل‌های آینده (یعنی آنانی که هنوز به دنیا نیامده‌اند)، به منزله موضوع حق‌های مربوطه، بدون شکل بخشیدن به مفهوم «حق» به مثابه استحقاق انسان حاضر، بی‌نهایت مشکل است. به همین خاطر تصور می‌کنم که بشریت احتمالاً، بیش‌تر هدف<sup>۱۳</sup> تعهدات نسل حاضر است تا موضوع<sup>۱۴</sup> حق‌ها. در دفاع از این برداشت، می‌توان به جلسات یونسکو برای تدوین سندی بین‌المللی در راستای حمایت از نسل‌های بعدی، بین ۱۹۹۴ و ۱۹۹۷، اشاره کرد که در جریان آن‌ها در یکی از طرح‌های مقدماتی مورد بررسی به صراحت بر «حقوق» نسل‌های آینده تأکید شده بود. با این حال، این عبارت از پیش‌نویس حذف گردید زیرا با همین صورت و ظاهر، معارض مفهوم حق‌ها که هم‌واره به اشخاص موجود اشاره دارد، تلقی می‌شد. بر این پایه، سند نهایی با عنوان «اعلامیه در مورد مسؤلیت‌های نسل‌های حاضر در قبال نسل‌های آتی» در ۱۱ نوامبر ۱۹۹۷ تصویب، و از هرگونه اشاره به «حق‌ها»ی نسل‌های بعدی در آن اجتناب گردید.<sup>۱۵</sup>

### ۱- کرامت فردی

پاره‌ای از مواد اعلامیه ژنوم انسانی و حقوق بشر یونسکو آشکارا ریشه در مفهوم حمایت از کرامت فردی دارند. از این منظر است که این اصل مسلم و بدیهی در بند الف ماده ۲ مقرر می‌گردد، آن‌جا که اشعار می‌دارد: «هر شخصی صرف‌نظر از ویژگی‌های ژنتیک خود به واسطه کرامت و حقوقش مورد احترام است». این

گزینه، کارکرد خاص اصل کلی تساوی اشخاص است و ما را به این سمت رهنمون می‌شود که اصل مزبور به بهانه زمینه بیماری‌های ژنتیک، هیچ‌گونه استثنائی را نمی‌پذیرد.

بند (ب) ماده ۲ به شکلی منفی همین اصل را توصیف می‌کند و در این راستا، مقرر می‌دارد که «کرامت این اصل را از رهگذر کاهش خصیصه‌های ژنتیک و احترام به وحدت و یکپارچگی آنها الزامی نمی‌سازد». این ماده که ارزشی چشم‌گیر برای رویکرد فردمحور در گستره اخلاق زیستی دارد، بدین معنا است که کرامت شخص انسانی، ترجمان واقعیت ناشناخته‌ای است که جایگاه آن در ماورای زیست‌شناسی و ژنتیک قرار دارد. به دیگر سخن، کرامت انسانی ماحصل ترکیب خاص دی.ان.ای یا حتی برهم‌کنشی بسیار پیچیده نیست. اگر انسان‌ها را تنها ترکیب‌هایی بسامان از عناصر شیمیایی تلقی کنیم، صحبت از «کرامت انسانی» بی‌معنی خواهد بود؛ زیرا ادعای این که این عناصر دارای کرامت‌اند، حتی اگر به گونه‌ای بسیار ویژه ترکیب شده باشند، بی‌معناست. اجازه دهید با مثالی این مسأله را توضیح دهیم. ما از داده‌های نخستین طرح ژنوم انسانی درمی‌یابیم که نزدیک نود و نه درصد دی.ان.ای انسانی مشابه با شامپانزه است. با این همه، نامعقول خواهد بود اگر از این واقعیت چنین استنباط کنیم که ویژگی انسانی در آن یک درصد اطلاعات ژنتیک متفاوت نهفته است بلکه برعکس، باید چنین استدلال کرد که این تنوع نشان می‌دهد، مبنای ژنتیک و زیستی نمی‌تواند به تنهایی به ما سرشت انسانی بیخشد؛ زیرا بارزترین ویژگی موجودات انسانی در ساختار ژنتیک یا زیستی (هر دو نهایتاً در انسان‌ها در قیاس با حیوانات چندان تفاوت ندارند) نیست، بلکه در عامل روانی آنها نهفته است و دقیقاً به همین سبب است که آنها «انسان» خوانده می‌شوند، یعنی بر پایه تعریف کلاسیک این دانش‌واژه واجد یک سرشت عقلانی (یعنی روحانی) هستند.<sup>۱۶</sup> کوتاه سخن، ارجاع

به ساختار ژنتیکِ هم‌سان ما با حیوانات، فارغ از رد کرامت ذاتی موجودات انسانی، مؤیدِ همان گزینه‌ای است که فیلسوفان همه اعصار، از افلاطون و ارسطو گرفته تا روزگار ما و نیز کل آیین مسیحیت هم‌واره بیان داشته‌اند: انسان‌ها به مدد توانایی‌های فکری خود، اساساً موجوداتی ذی‌روح‌اند.<sup>۱۷</sup>

اکنون مجال آن است که به پاره‌ای دیگر از مواد اعلامیه یونسکو که بر بنیاد دیدگاه کرامت فردی استواراند بپردازیم: مواد ۵ و ۷ و ۱۰.

ماده ۵ به احترام اختیار و استقلال شخصی عنایت دارد که نتیجه مستقیم اصل کرامت انسانی است. بند (ب) این ماده در بر گیرنده اصلی بنیادین از اخلاق پزشکی است که به موجب آن هرگونه تحقیق، درمان، شناسایی ژنوم فردی صرفاً زمانی می‌تواند صورت گیرد که پیش از آن، شخص مزبور از اهداف، ماهیت، خطرات و پیامدهای آن عمل آگاهی یابد و با آسودگی خاطر و آزادانه بر انجام آن رضایت دهد. مبنای اصل رضایت آگاهانه برای تحقیقات زیست‌پزشکی به ضوابط نورمبرگ ۱۹۴۷ و به دنبال آن، به اعلامیه هلسینکی ۱۹۶۴-۲۰۰۰ برمی‌گردد. امروزه، تمامی رهنمودهای اخلاق پزشکی و ضوابط تحقیقاتی مقرر می‌دارند که پزشکان و محققان بایستی رضایت آگاهانه بیماران و عواقب ناشی از هرگونه مداخله اساسی را اخذ کنند.

بند (ج) این ماده، حق اطلاع و هم‌حق عدم اطلاع از نتایج آزمایش‌های ژنتیک را به رسمیت می‌شناسد. هر دو ادعا را به رغم تضاد ظاهری آن‌ها، می‌توان به مثابه تعبیرهای متفاوت از اختیار و استقلال تلقی کرد. اشخاص، به واقع، ذی‌حق‌اند تا در راستای اجتناب از پیامدهای شدید فیزیولوژیک، از ترکیب و ساختار ژنتیک خود اطلاع نداشته باشند. این ذی‌حق و ذی‌نفع بودن می‌تواند گستره اختیار را تا اندازه‌ای گسترش دهد، به نحوی که تصمیم بر اطلاع یا عدم اطلاع، بدون اختیار بیمار از سوی پزشک ممکن نیست. البته، حق عدم اطلاع، در عین حال که در حقیقت از

حقوق مسلم محسوب می‌شود، مطلق نیست بلکه حقی نسبی است، زیرا می‌توان در مواقعی که افشاء آن برای پیش‌گیری از آسیب شدید به شخص ثالث (به ویژه اعضای خانواده) ضروری باشد، آن را محدود کرد؛ بدین معنا که برخی از اشکال پیش‌گیری یا درمان در این راستا قابل اعمال‌اند (آندورنو، ۲۰۰۴).

ماده ۷ این سند، [به ظاهر] به اصل محرمانه بودن داده ژنتیک<sup>۱۸</sup> اشاره دارد. ولی [به واقع] این‌گونه نیست و به اعمال خاص اصل کلی محرمانه بودن اطلاعات بهداشت فردی می‌پردازد. این برداشت قابل توجیه است؛ زیرا از آن‌جا که حجم روزافزون اطلاعات ژنتیک فردی در دسترس است، این می‌تواند منشأ آسیب به مردم، به ویژه بر اثر هرگونه تبعیض یا انگ‌زنی باشد. افزون بر این، قاعده محرمانه بودن در این گستره خاص بر پایه وحدت اطلاعات ژنتیک مورد نیاز است: نخست، آزمایش‌های ژنتیک نه تنها برای افراد مورد آزمون، بلکه برای بستگان نسبی آن‌ها نیز پیامدهایی را به دنبال دارد. دوم، این اطلاعات دارای سرشتی تعیین‌کننده تقریباً منحصر به فرد، از جمله قابلیت تأیید، رد یا تضييع علقه خانوادگی هستند. سوم، آزمایش‌های ژنتیک نه تنها به گذشته، بلکه به آینده افراد نیز مربوط هستند و از این‌رو، می‌توانند از ارزش اسنادی چشم‌گیری برخوردار باشند. چهارم، اطلاعات ژنتیک ممکن است از مقدار بسیار اندک ماده (ژنتیک) احتمالاً نگهداری شده بدون رضایت صاحب آن، به دست آمده باشد<sup>۱۹</sup> (میسون، ۱۹۹۹، ص ۱۶۷). البته شناسایی و تعیین دقیق این‌که چه عملی می‌تواند اصل محرمانه بودن داده‌های ژنتیک را نقض کند، پیچیده‌ترین مسئله است. از آن‌جا که ماده ۷ با دانش‌واژه‌های بسیار کلی تدوین شده است و هیچ‌گونه راهنمایی در این مورد ارائه نمی‌دهد، یونسکو در ۱۶ اکتبر سال ۲۰۰۳، اعلامیه بین‌المللی مربوط به داده‌های ژنتیک انسانی<sup>۲۰</sup> را تصویب کرد که با تفصیل بیش‌تری به این مسأله می‌پردازد.<sup>۲۱</sup>

ماده ۱۰، برآیند مستقیم دیگری از اصل کرامت انسانی را به دست می‌دهد که

به موجب آن «هیچ تحقیقی (...) نباید بر احترام به حقوق بشر، آزادی‌های اساسی و کرامت انسانی مرجح گردد.» تقدّم شخص انسانی بر مزیت انحصاری علم و جامعه، اصلی کلاسیک در اخلاق پزشکی است که با عبارت بسیار مشابهی در اعلامیه هلسینکی در مورد تحقیقات پزشکی مربوط به سوژه‌های انسانی (انجمن جهانی پزشکی ۱۹۶۴-۲۰۰۰) نیز پیش‌بینی شده است: «دغدغه منافع انسان هم‌واره باید بر منافع علم و جامعه غالب باشد». (ماده ۵). در هر دو مورد، دیدگاه مشابهی حاکم است. افراد را نباید هرگز در راستای منفعت علمی، ابزار به شمار آورد، زیرا علم مطلق نیست بلکه صرفاً ابزاری در خدمت انسان است. بدین خاطر است که تحقیقات غیر درمانی فقط بر مبنای رهنمودهای اخلاقی مجازاند، آن‌هم زمانی که پاره‌ای شرایط پیشینی مهیا باشند، به ویژه زمانی که رضایت همه مشارکت‌کنندگان به صورت آزادانه و آگاهانه اخذ شده باشد (الف)، خطرات وارد به این افراد حداقل بوده و متناسب با منافع پیش‌بینی شده باشد، (ب) و طرح تحقیقاتی وسیله کمیت‌های مستقل، پس از بررسی و بازبینی ارزش علمی و مقبولیت اخلاقی تأیید شده باشد (ج).

## ۲- کرامت بشری (جمعی)

شالوده اصلی احترام به کرامت انسانی در مفهوم موسّع، یعنی کرامت بشری به مفهوم دقیق آن در اعلامیه یونسکو نهفته است. یکی از نگرانی‌های بنیادین تدوین‌کنندگان این اعلامیه، در واقع نیاز به حمایت از ژنوم انسانی در برابر پیوندهای نادرست بود که می‌تواند هویت و تمامیت جسمانی نسل‌های آینده را به خطر اندازد. در پاسخ به این نگرانی، ماده ۱ مقرر می‌دارد که ژنوم انسانی «میراث بشریت است». این تعبیر که از رهگذر مفهوم «میراث کلی بشری» تبلور یافته و ریشه در حقوق بین‌الملل دارد، حفظ منابع فرهنگی و طبیعی جهانی را به نفع نوع بشر به

مثابه یک کل در نظر دارد. این تعبیر، هنگامی که به ژنوم انسانی ارتباط می‌یابد، بدین معنا است که تحقیقات ژنتیک مسؤولیت کل بشر را به همراه دارد و نیز این‌که نتایج آن‌ها باید نسل‌های حاضر و آینده را منتفع سازد (GROS ESPIELL, 1999, P.3). افزون بر این، تعبیر مزبور دلالت بر این دارد که تخصیص ژنوم انسانی به هر دولت یا شخص حقیقی نادرست است.<sup>۲۲</sup>

یادآوری این نکته ضروری می‌باشد که برای نخستین بار در اعلامیه یونسکو بشریت به مفهوم کلی آن به مثابه میراثی کلی که باید مورد حمایت قرار گیرد، تلقی شده است (BYK CH, 1998, p.235). بی‌تردید، مفهوم «جنایات علیه بشریت» که بارزترین نمونه آن نسل‌کشی است، با پایان یافتن جنگ جهانی دوم بخشی از حقوق بین‌الملل شده است. به هر حال، هدف از دسته‌بندی جنایات علیه بشریت، اجتناب از اعمال غیر انسانی ارتكابی علیه گروه‌های قومی، اجتماعی یا مذهبی خاص است و از این‌رو، حمایت از گونه‌های انسانی به مفهوم دقیق آن، یا به‌واقع، حفظ ساختار و ژنتیک آن‌ها را که دقیقاً هدف اصلی اعلامیه یونسکو است، دربر نمی‌گیرد.

مسئله دیگری که در مورد ماده ۱ مطرح است، به عبارت نخست آن برمی‌گردد که تا اندازه‌ای نادرست و گمراه‌کننده است. به موجب عبارت مزبور، «ژنوم انسانی نشان‌گر وحدت بنیادین همه اعضای خانواده انسانی و نیز شناخت کرامت ذاتی و تنوع آن‌ها است». این عبارت را می‌توان به گونه‌ای مادی‌گرایی محض تأویل کرد، چنان‌که گویی ارزش چشم‌گیری که ما به انسان می‌بخشیم، تنها مبتنی بر اطلاعات ژنتیک است که گونه‌های انسانی را بدین وصف متّصف می‌کند (لنور؛ متیو، ۱۹۹۸، ص ۹۲). اما این تعبیر، مخالف هدف تدوین‌کنندگان اعلامیه است و از دیگر مواد این سند، به ویژه، مواد ۲ و ۶ که بر عدم کاهش ساختار ژنتیک افراد تکیه دارد، تضاد مزبور آشکار می‌شود.

بنابراین، ماده ۱ چه هدفی را دنبال می‌کند؟ به نظر من، این ماده صرفاً در صدد تأکید بر این واقعیت است که از منظر ژنتیک پیوندی عمیق میان همه اعضای گونه‌های انسانی وجود دارد. ژن‌های انسانی تماماً در نسل‌های گذشته، حال و آینده وجود داشته و دارند؛ زیرا ساختار ژنتیک هم‌سان و مشابهی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد (AGIUS, 1998, p.76). از این‌رو، و مستقل از هرگونه تفسیری که می‌توان در این راستا صورت داد و ماده ۳ آن را به رسمیت شناخته است، هر شخصی ساختار اصلی ژنتیک هم‌سانی را به ارث می‌برد که او را به پیش می‌برد. بدین‌سان، کاملاً شایسته می‌نماید که ژنوم انسانی را به مثابه «میراث مشترک بشریت» در نظر بگیریم و در نتیجه از آن در برابر پیوند و دستکاری‌های بی‌بازگشت حمایت کنیم.

زینده بیان است که اعلامیه یونسکو نه تنها وضع اصول بسیار کلی مربوط به حمایت از تمامیت و کرامت گونه‌های انسانی را محدود می‌کند بلکه به جرأت می‌توان گفت که پاره‌ای مقررات دقیق استثنایی را نیز در این راستا وضع می‌کند. مواد ۱۱ و ۲۴ از جمله این مواد هستند که «شبه‌سازی توالدی انسانی»<sup>۲۳</sup> و «مداخلات سنخ ارثی»<sup>۲۴</sup> را به ترتیب مخالف «کرامت انسانی» اعلام می‌دارند.

اعلامیه یونسکو در مورد شبه‌سازی انسان، با اجماع جهانی محکومیت شبه‌سازی از نوع توالدی موافق است.<sup>۲۵</sup> بنیادی‌ترین اعتراض به این شیوه، قدرت‌بخشی توجیه ناپذیر به افراد تولیدکننده همانندها است که صرفاً در راستای خواست اشخاص ثالث می‌توانند به این امر اقدام کنند. در این شیوه، شبه‌سازی شکل بنیادی و نوینی از ابزارپنداری انسان و از این‌رو، عملی مخالف با کرامت انسانی است. افزون بر این، شایان بیان است که با اعمال این شیوه، کودک همانندشده بدون والدین ژنتیک خلق خواهد شد و از این‌رو، وی برای همیشه از امکان برقراری رابطه‌ای متعارف با پدر و مادر خویش محروم خواهد بود

(ANNAS, 1998, p.12-125). کوتاه سخن، در این مورد، دو ویژگی بنیادین گونه‌های انسانی (یعنی از پیش نامقدر بودن ویژگی‌های ژنتیک و تولید مثل جنسی یا والدینی) در معرض خطر قرار می‌گیرد.

اعلامیه یونسکو در ماده ۲۴ نیز، در مورد مداخلات سنخ ارثی با رهنمودهای بین‌المللی مربوط به این مسئله هم‌گام است.<sup>۲۶</sup> جای تأکید دارد که به رغم تغییر ژن‌ها در سلول‌های بنیادین (پیکری) که صرفاً بر رفتار افراد تأثیر دارند، هرگونه تغییری در سنخ ارثی (یاخته‌های جنسی) یا در رویان‌های اولیه به نسل بعدی انتقال خواهد یافت. این واقعیت نگرانی‌های پُرشماری را در مورد خطرات ناشی از آسیب‌های همیشگی و بازگشت‌ناپذیر به نسل‌های بعد به همراه دارد. افزون بر این، در مورد مهندسی ژنتیک و توسل به آن برای پیش‌برد اهداف و اغراض بشری، اعتراض در قبال این شیوه مبتنی بر این دیدگاه است که ما حق نداریم از پیش ویژگی‌های افراد آینده را تعیین کنیم (یوناس، ۱۹۸۵، صص ۱۶۲-۲۰۳؛ هابرماس، ۲۰۰۱). این بدان معنی خواهد بود که مردم را باید در بسط و گسترش توانایی‌های خود آزاد گذاشت بدون این که به لحاظ زیستی مقید به مفاهیم خاص «خیر» (خوب) و «شر» (بد) باشند؛ خصیصه‌هایی انسانی که از ابتدا بر پیشینیان آن‌ها غالب بوده است. به دیگر سخن، عوامل ژنتیک نباید ابزاری برای خودکامگی بین نسلی باشند (آندورنو، ۲۰۰۲، صص ۹۵۹-۹۶۳).

## نتیجه

کرامت انسانی در مرحله نخست به ارزش ذاتی هر شخص، و در مفهوم گسترده، به ارزش واقعی بشری در مفهوم دقیق آن تعبیر می‌شود. اعلامیه یونسکو در مورد ژنوم انسانی و حقوق بشر که این مفهوم را به‌عنوان مفهومی کلیدی می‌پذیرد، در آن واحد ابعاد دوگانه کرامت را در بر می‌گیرد: کرامت فردی، به ویژه در مواردی نظیر رد تقلیل‌گرایی ژنتیک (ماده ۲) و تبعیض ژنتیک (ماده ۶) ضرورت اخذ رضایت آگاهانه (ماده ۵)، اصل محرمانه بودن اطلاعات ژنتیک فردی (ماده ۷) و ابزارناپنداری افراد برای اهداف علمی (ماده ۱۰) مورد توجه قرار می‌گیرد. کرامت جمعی بشری به مفهوم دقیق آن نیز، از رهگذر شناسایی ژنوم انسانی به‌مثابه «میراث مشترک» (ماده ۱) و رد شبیه‌سازی انسانی از نوع توالدی (ماده ۱۱) و مداخلات سنخ ارثی (ماده ۲۴) به منزله «نقض کرامت انسانی» تبلور می‌یابد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. این نوشتار، ترجمه مقاله زیر است:

R. Androno, Dignity of the person in the light of international biomedical law, *medicina e morale*, 2005/1: 91-105.

2. futuristic advance
3. Dignity of individual
4. Dignity of humanity
5. the shaping principle
6. Rights
7. Background role
8. Foreground role

۹. این تفاوت‌گذاری را برینگ براچر در مقاله زیر صورت می‌دهد:

BROWNSWORD R., in *Ambiguities in the concept of Menschenwurde*, in: BAYERTZ K.(ed), *Sanctity of Life and Human Dignity*, Dordrecht, Kluwer, 1996: 107-121.

10. Basic meaning.
11. Price.
12. Extended meaning
13. Object
14. Subject

15. See: ZANGHI C., Pour la protection des générations future, in: Boutros Boutros-Ghali, American Discipulorumque Liber, Paix, Développement, Démocratie, Bruxelles, Bruylant, 1998: 1459-1478.

۱۶. مفهوم کلاسیک دانش واژه را بوتیئوس فیلسوف در سده ۶ پیش از میلاد با این توصیف ارائه می‌دهد:  
Nature rationalis individual substantia

۱۷. از نظرگاه ارسطو، نه تنها انسان که گیاهان و حیوانات غیر انسانی به مثابه موجودات زنده نیز به لحاظ مفهومی از رهگذر اصل حیات ذی‌روح بوده و جاندار محسوب می‌شوند. اما خصیصه تعقلی (فکری) که مختص بشر است، روح وی را از سایر جانداران متمایز می‌کند. روح بشر به مفهوم دقیق کلمه، غیر مادی است، یعنی با جسم در نمی‌آمیزد. ارسطو از کارکرد موضوعی فکر و قوه خرد، «معرفت» را استنباط می‌کند. موجودات بشری می‌توانند از رهگذر خصیصه‌های شناختی خود را با «اشکال» (جوهره) اشیایی که بدون عنایت به موضوع شأن شناسایی می‌کنند، همسان و هماهنگ سازند. از این رو، درحالی که انسان‌ها به لحاظ جسمانی متفاوت از سایر چیزهای مادی هستند، از رهگذر معرفت خویش می‌توانند خود را با سوژه‌ها به گونه‌ای غیر مادی یکپارچه سازند. انسان‌ها به دلیل بهره‌مندی از این معرفت و قوه شناخت، خُرده‌جهان‌هایی (micro cosmos) می‌شوند که سرشت اشیاء را در اذهان خویش بازتاب می‌دهند. این امر تنها زمانی ممکن است که فکر و قوه فکری موجودی مادی، یعنی همان خصیصه نهاد جسمانی، نباشد. به دیگر سخن، روح به واسطه این‌که همه اشیاء را درمی‌یابد، نباید با هیچ چیزی درآمیزد.

18. Principle of confidentiality of genetic data

19. UK Human Genetics Commission, Inside Information. Balancing interest in the use of personal genetic data, May 2002, p. 28-32.

20. International Declaration on Human Genetic Data

۲۱. به اعلامیه بین‌المللی داده‌های ژنتیک انسانی به خصوص ماده ۱۴ مراجعه نماید.

22. IDA R., Human genome as Common Heritage of Humankind, in: FUGIKI N., MACER D. (ed), Bioethics in Asia, Tsukuba, Eubios Ethics Institute, 1998: 59-63.

23. Human reproductive cloning

24. Germ-line interventions.

۲۵. برای نمونه مراجعه کنید به قطعنامه انجمن جهانی اخلاق مربوط به شبیه‌سازی، ۱۹۹۷؛ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا، ۲۰۰۰ (مواد ۳ و ۲)؛ پروتکل الحاقی حقوق بشر و اخلاق پزشکی ۱۹۹۸.

۲۶. مراجعه کنید به رهنمودهای مربوط به بررسی اخلاقی پیشنهادهای تحقیقات راجع به ژن‌درمانی سلول‌های بنیادی و درمان‌های مرتبط ۱۹۹۹ شورای تحقیقات پزشکی استرالیا؛ قانون فناوری ژنی اتریش ۱۹۹۴ (ماده ۷۶)؛ قانون مربوط به ارگان‌نیم‌های اصلاح‌شده ژنتیک برزیل، ۱۹۹۵ (بند ۱ ماده ۱۳)؛ قانون مدنی فرانسه، ماده ۴-۱۶؛ قانون حمایت از جنین آلمان ۱۹۹۰، ماده ۵؛ قانون اساس سوئیس، اصل ۱۱۹ الف؛ قانون جنین‌شناسی و باروری انسانی پادشاهی متحد (بریتانیا) ۱۹۹۰، جدول ۲، بند ۴ ماده ۲ و بند ۴ ماده ۳؛ رهنمودهای مربوط به تحقیقات راجع به مولکول‌های بازترکیبی دی ان ای، انجمن بهداشت ایالات متحد آمریکا، ۱۹۹۸ (پیوست ام).

## فهرست منابع

- AGIUS E., Patenting Life: Our Responsibilities to Present and Future Generations, in Emmanuel Agius and Salvino Busuttil (eds.), *Germ-line Intervention and our Responsibilities to Future Generations*, Dordrecht, Kluwer, 1998.
- ANDORNO R., Biomedicine and International human right law: in search of a global consensus, *Bulletin of the World Health Organization*, 2002, vol. 80, n. 12.
- ANDORNO R., The right not to know: an autonomy based approach, *Journal of Medical Ethics*, 2004 (forthcoming).
- ANNAS G.J., Why We Should Ban Human Cloning 1998, 339(2) *New England Journal of Medicine*, p. 122-125.
- BEYLEVELD D., BROWNSWORD R., *Human Dignity in Bioethics and Biolaw*. Oxford, Oxford University Press, 2002.
- BROWNSWORD R., in *Ambiguities in the concept of Menschenwurde*, in: BAYERTZ K.(ed), *Sanctity of Life and Human Dignity*, Dordrecht, Kluwer, 1996.
- BYK CH., A Map to a New Treasure Island: The Human Genome and Concept of Common Heritage, *Journal of Medicine and Philosophy*, 1998, n.3.
- DWORKIN R., *Life's Dominion. An Argument About Abortion, Euthanasia and Individual Freedom*, New York, Vintage, 1994.
- GROS ESPIELL H., *Genèse de la Déclaration universelle sur le génome humain et les droits l'homme*, Introduction, Paris, UNESCO, 1999.
- HABERMAS J., *Die Zukunft der menschlichen Nature. Auf den Weg zu einer liberalen Eugenik?*, Frankfurt, Suhrkamp, 2001.
- JONAS H., *Technik, Medizin und Ethik*, Frankfurt, Insel, 1985.
- LENOIR N., *La Déclaration sur le génome humain, avancée futuriste*, *Le Monde*, 9 Décembre 1998.
- LENOIR N., MATHIEU B., *Les normes internationales de la bioéthique*, Paris, PUF, 1998.
- MACHLIN R., Dignity is a useless concept, *British Medical Journal*, 2003, Vol. 327, p.1419-1420.
- MASON J.K, McCALL SMITH A., *Law and Medical Ethics*, 5th ed., London, Butterworth's, 1999, p.167; UK Human Genetics Commission, *Inside Information. Balancing interest in the use of personal genetic data*, May 2002.
- TAYLOR, A.L., *Globalization and Biotechnology: UNESCO and International Strategy to Advance Human Rights and Health*, *American Journal of Law and Medicine*, 1999.
- ZANGHI C., *Pour la protection des générations future*, in: Boutros Boutros-Ghali, *American Discipulorum Liber, Paix, Développement, Démocratie*, Bruxelles, Bruylant, 1998.

## یادداشت شناسه مؤلف

روبرتو آندورنو: عضو کمیته بین‌المللی اخلاق زیستی یونسکو. (نویسنده مسئول)  
 محمدجعفر ساعد: دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

نشانی الکترونیک: medlaw2008@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۳/۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۶/۵/۲